

همه کارگران ایران و جهان ! همه تشکل ها، اتحادیه ها و سازمان های کارگری ! همه انسان های آزادی خواه و حق طلب !

در ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۸۳ (اول ماه مه ۲۰۰۴) همسر من، محسن حکیمی، به دعوت جمعی از کارگران خباز شهر سقز برای سخنرانی در مراسم روز جهانی کارگر (اول ماه مه) به این شهر دعوت شد . اگرچه کارگران برای برگزاری مراسم خود درخواست مجوز کرده بودند، اما در ظهر این روز به کارگران اعلام شد که با درخواست مجوز آنان موافقت نشده است . پس از اعلام این خبر در ساعت ۵ بعد از ظهر، همسر من همراه کارگرانی که مهمان آن ها بود، قبل از هر اقدامی دستگیر و روانه زندان شد . این مراسم هرگز برگزار نشد . هیچ تجمعی صورت نگرفت و به همسر من فرصت داده نشد کلامی بر زبان آورد .

به واسطه این جرم مرتکب نشده همسر من ، محسن حکیمی ، پس از دوازده روز اعتصاب غذا همراه ۶ تن دیگر از کارگران دستگیر شده در اعتراض به دستگیری غیرقانونی خود و پس از سپردن وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی و بارها و بارها احضار شدن به دادگاهی که طی یک سال و نیم هر بار به بهانه ای به زمان دیگری موکول می شد ، سرانجام به دو سال زندان محکوم شد . از سایر کارگران دستگیر شده ، محمود صالحی به ۵ سال زندان و سه سال تبعید ، جلال حسینی به ۳ سال زندان ، محمد عبدی پور و برهان دیوارگر هر یک به ۲ سال زندان محکوم شدند .

برگزاری و شرکت در مراسم روز جهانی کارگر طبق مقوله نامه های سازمان جهانی کار، که به امضای دولت جمهوری اسلامی نیز رسیده است ، حق هر کارگری است و نمی توان هیچ کس را به خاطر برگزاری یا شرکت در چنین مراسمی محکوم کرد ، چه رسد به این که چنین مراسمی اصلاً برگزار نشده باشد و هیچ سخنرانی در آن صورت نگرفته باشد . با این اوصاف و با استناد به چه قانونی می توان کسی را که هیچ جرمی مرتکب نشده محکوم کرد و به زندان انداخت؟ آیا این است نمونه عدالت اسلامی دستگاه قضایی؟ و اگر غیر از این است دستگاه قضایی باید این احکام ناعادلانه را هر چه زودتر لغو کند ، شاید بتواند گوشه ای از ستمی را که در این مدت به ما رفته است جبران کند . من به این وسیله به این حکم ناعادلانه اعتراض می کنم و صدای اعتراض خود را بلند می کنم تا هر آن کس که گوشی برای شنیدن دارد صدای مرا بشنود و از همه کارگران و فعالان کارگری، از همه تشکل ها ، اتحادیه ها و سازمان های کارگری ، و از همه انسان های آزادی خواه و حق طلب در سراسر ایران و جهان می خواهم که با من و دخترم هم صدا شوند و به این ستمی که بر ما رفته است و به این احکام ناعادلانه اعتراض کنند .

منیژه گزرائی ، همسر محسن حکیمی
۱۳۸۴/۸/۲۲